

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

انسان یک شخصیت مستقل دارد و یک شخصیت وابسته. حالا اسم آن را گذاشتیم شخصیت مثل مثالی که در شیمی و آنهایی که خواندند می‌دانند، می‌گویند مثلاً ئیدروژن یک هسته دارد، یک دست دراز دارد که به دیگری دست بدهد. انسان هم یک «خودش» است و یک «جمع» است یعنی شما هم خودتان هستید وظیفه‌ی شخصی خودتان، درد و رنج شخصی خودتان، لذت‌های شخصی خودتان. یک چیزی است لذت و چیزهای دسته‌جمعی یعنی چون با یک عده‌ای هم عهد شده‌اید، با هم هستید. با تهرانی‌ها هم عهد شده‌اید که در تهران باشید، با هم گرما و با هم سرما را تحمل می‌کنید. هر وقت یک مقداری از این تحمل و همبستگی‌تان با تهرانی‌های دیگر کم شد، به همان اندازه مجموعه‌ی جمع‌بندی‌تان سست‌تر می‌شود یعنی در یک ده کوچکی وقتی گرما می‌آید، همه گرما می‌خورند. جز بعضی‌ها که می‌روند مثلاً کولر می‌خرند، یک نفری از آن‌های دیگر جدا می‌شوند. این وحدت انسان‌هاست. وحدت یک‌طوری است که اگر بتوانید توسعه‌اش بدهید، بهتر است. البته با کسانی که هدف مشترک دارید، دلبستگی‌تان بیشتر بشود.

همه‌ی ادیان هم یک عرفانی دارند. عرفان این ادیان، این قسمت کار را انجام می‌دهد که تا هر اندازه بتواند، دل‌های مردم را به هم نزدیک کند. البته دل‌های‌شان که به هم نزدیک بشود، آن هدف و هماهنگی خودشان بیشتر می‌شود. ادیان هم یک‌طوری است که هر دینی که می‌آید دین قبلی را از بین نمی‌برد، تحقیر نمی‌کند بلکه همان روش را ادامه می‌دهد، عرفانش همین‌طور است. این است که می‌بینید عرفان اسلامی با عرفان مسیحی نزدیک‌تر است تا با خود مسیحی‌ها یا عرفان ایرانی با عرفان یهودی که خیلی از عرفا هم از عرفای یهودی بودند. برای اینکه هدف اینها در همان دینی که وابسته هستند، می‌خواهند جزء آداب آن دین، مردم را به هم نزدیک‌تر کنند. به خصوص ما که فرض کنید مسلمان هستیم و عرفان اسلامی را تابع هستیم و تأیید می‌کنیم، باید به این نکته توجه داشته باشیم. به طریق اولی وقتی که عرفان می‌خواهد همه‌ی بشریک پارچه تابع اوامر خداوند باشد و یک پارچه همه‌شان به مخلوقات دیگر خداوند محبت داشته باشند. این است که می‌بینید در اینجا چون به اصطلاح وحدت، هدف یکی است، نزدیک به هم است، البته ما

خدایی که داریم خدای واحد است یعنی خدایی است که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۱) تفسیر آن است. خدایی است که مسیحی‌های حالا نه ولی در آن دوران سه تا خدا بودند. می‌گوییم شما همان خدایی که قبول دارید، آن خدا همین است که ما می‌گوییم. منتها شما آن را شقه کردید، سه تا کردید و الا یکی است.

از اینجا است که خیلی‌ها وقتی از عرفان و تصوّف دم می‌زنند، صحبت می‌کنند، بعضی‌ها می‌گویند که اسلام، عرفانش را از مسیحیت گرفته، بعضی‌ها می‌گویند از یهود گرفته، بعضی‌ها هم می‌گویند خاطره‌ی زرتشتی است. اگر دقت کنید در آن مسیری که آنها تحقیق می‌کنند، همه‌اش درست است یعنی ما می‌گوییم خدا که یکی است، چه خدا مال مسیحی باشد یا خدای ما باشد یا خدای آن یکی. از قدیم هم هست، از همان اوّل بوده. همان خدا می‌خواهد مردم را برای خودش رهبری کند، هدایت کند. هر کسی آن هدایت را یک‌طور می‌گوید، پس این اختلاف به اصل اختلاف خداوند بر نمی‌گردد بلکه موجب می‌شود که همه‌ی این معتقدین به یک خداوندی، همان خداوندی که در راه او می‌خواهیم قدم بزنیم، همه‌ی اینها به هم نزدیک بشوند. اگر اینطوری است پس چرا اینها با هم بد هستند؟ البته این اختلاف در عرفای هر قومی کمتر دیده می‌شود در اهل شریعت شنیده می‌شود، شریعت به معنی آدابی است که خداوند مقرر کرده. خدا می‌گوید: اگر می‌خواهید به من نزدیک بشوید و شکر بکنید و از قدرت من استفاده بکنید، به آن متکی باشید، باید اینطور عبادت کنید، اینطور نماز بخوانید. هر کدام از این آداب در وقت خودش بهترین بوده. اسلام و اینکه گفته اینطوری نماز بخوانید، در فصل خودش بهترین طریق شکرگزاری به درگاه خداوند بوده. آن آدابی که در مسیحیت دارد همینطور، در زمان خودش بهترین آداب بوده برای اینکه مثلاً در دورانی که برای هر چیزی یک خدا قائل بودند؛ خدای ابر، خدای باران، خدای زلزله، خدای آفتاب، این همه خدا قائل بودند، یک مرتبه اگر مردم خودشان می‌گفتند نه، پس نمی‌شود، یک خدا باشد. حالا ما چانه می‌زنیم سه خدا را قبول داریم. این است که در آن تاریخ باز هم این قدم، قدم متریقی تری بوده. قدم غلطی بوده ولی متریقی تر بوده. این را پیاده کنیم، در یک محیط کوچکی ببینیم یا در یکی از این ادیان، ادیان ابراهیمی که یهود و مسیحیت و اسلام باشد، ادیان دیگر را کار نداریم و حال آنکه آنها هم خیلی زیاد هستند. نژاد زرد، ژاپنی‌ها و این طرف، نژادهای سیاه، اینها هر کدام ادیانی داشتند ولی دین اسلام و این ادیان ابراهیمی سعی کردند آنها را هم جلب کنند تا یک مقدار زیادی از بین رفتند، تعدادی از آنها به مسلمانی و به مسیحیت برگشتند. به این نظر این شعری که می‌گوید:

هیچ کافرا به خواری منگرید چون مسلمان مُردنش باشد امید

اگر با خلوص نیت کار کند، خداوند بالاخره نجاتش می دهد.

عرفان یک دریچه ای است که از راه عرفان وارد اسلام بشود یعنی نمی شود فرض کنید یک مرتبه همان نژاد سیاه یا نژاد زرد که چند تا خدا برای خودش معتقد است، یک مرتبه بگوییم به یک خدا معتقد باش و حتماً هم باید هر روز صبح اینطوری نماز بخوانی. عرفان طریق راه رفتن است یعنی اول بفهمی که دنیا چیست؟ چه کسی آفریده؟ چرا آفریده؟ این همه دنیاهایی که هست ستاره ها، کیهان ها اینها را چه کسی آفریده؟ چرا آفریده؟ اینها چرا با هم در ارتباط هستند؟ آنوقت به تدریج اینها را کم کم بفهمانید بعد به آن بگویید: بله، اینها همه هست. آن کسی که اینها را آفریده، خیلی هم قدرت دارد. **أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** هم هست.

در این مسیر، عرفان و تصوّف همیشه برای اینکه محیط آماده برای این راه یابی ها باشد، طالب صلح است. می گوید خداوند اگر قرار بود دو نفر با هم جنگ کنند و لااقل یکی از آنها از بین برود یا هر دوی آنها از بین بروند، اگر خداوند اینطور دلش می خواست از اول ایجاد نمی کرد، خلق نمی کرد. پس خداوند خلق کرده و شما اگر به او به عنوان اینکه خداوند خلقش کرده، توجّه بکنید، همان توجّه ثواب دارد. مثل اینکه فرض کنید الان خیلی می بینید یکی نقاش مشهوری است، یک تابلوی نقاشی خیلی مسخره و بچگانه، می گویند این کار جوانی اوست! کار هر کس می خواهد باشد، این کار غلط است و این کار خوب است. این کار خوب، آن کار بد. خداوند اینها را آفریده پس برای این نیست که همینطوری بریزند به جان هم و هم را از بین ببرند. خداوند درست کرده ولی هدف ندارد برای اینکه اول و آخر و همه اش است ولی در مورد محیط صلح یک وقتی به عنوان مثال می گویند در آنوقت هایی که نمی دانم چه جنگ می کردند، گفته بود که ما برای حفظ صلح در دنیا جنگ می کنیم یعنی چه که برای حفظ صلح جنگ می کنید؟ بله! او البته دروغ گفته ولی حالا اگر کسی واقعاً بخواهد این محیط صلح را تبدیل به محیط جنگ کند، باید در مقابلش ایستاد، دفاع کرد. آن اسمش جنگ نیست دیگر، آن اسمش دفاع است که به همین دلیل دفاع هم واجب است.

بنابراین ما هم یعنی هر بشری وظیفه اش این است که صلح و آرامش را در جامعه حفظ کند الا در مقابل کسی که می خواهد این آرامش و صلح را به هم بزند. ما هم باید چه شخصاً و چه جمع مان، به این مسأله توجّه کنیم. همین جمله ای که من بطور خلاصه گفتم: ما، در دوستی آب روانیم و در دفاع، (دشمنی به واسطه ی دفاع) سنگ خارا. همان آب

که می بینیم از آب شل تر چیزی نیست، همان آب وقتی یخ می بندد، در دریا‌های شمال طوری سفت می شود که از روی آن اتومبیل رد می شود، ماشین رد می شود. به این محکمی است! حالا سنگ خارا‌یی که از آن هم محکم تر است اول آب روان است، اگر به یخ و به دشمنی برخورد که دشمنی باشد، سنگ خارا می شود یعنی یخ می بندد از آن یخ‌ها تندتر. منتها این را بی جا اگر مقابل دشمن و در مقام دفاع به جای اینکه سنگ خارا باشیم، آب زلال باشیم می ریزیم و بالعکس در مقابل دوست اگر سنگ خارا باشید، دوست را اذیت می کنید، از شما کناره می گیرد. همه‌ی اینها به جای خودش است و در تشخیص این باید آن عقلی که خداوند آفریده البته عقلی که از تصوّف و عرفان بو گرفته باشد، آن عقل را به کار ببریم.

ان شاء الله خداوند ما و شما و همه را حفظ کند. به ما قدرت این تشخیص را هم بدهد که کی، چطوری کار کنیم؟ با هم خیلی مهربان باشید. به مُلک جهان با همدیگر دشمن نباشیم و در مقابل به مُلکِ تصرّف یک پشیزی یعنی یک قرانی با هم دشمنی نکنیم. دل مان را بی مهر نکنیم. شعری هم می گوید که:

دل که افسرده شد از سینه برون باید کرد

مرده هر چند عزیز است نگه نتوان داشت

تشبیهی کرده ولی در ما این مهر برای خداست. مهر خدا و مخلوق خدا، خلقت خدا. فرض کنید مثلاً انگشتر من یک انگشتری است خیلی معمولی ولی من خیلی به آن علاقه مندم چون آن کسی را که دوست داشتیم و مرید او بودم، این را به من داده یعنی اتصال. این را در مقام دوستی داشته باشید. ان شاء الله خدا شما را از دشمنی بی نیاز کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یک شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۱)

**بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علی شاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.**

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEH121.COM](http://WWW.JOZVEH121.COM) اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jozveh121 در برنامه تلگرام پیوندید.